

با «لباس شخصی‌ها» مقابله کنیم!

مینا راوندی

با بازگشایش دانشگاه‌ها، بار دیگر چهره‌های کریه لباس شخصی‌ها مسلماً در هر تظاهرات و اعتراضی دیده خواهند شد. ماهیت «لباس شخصی‌ها» بر کسی پوشیده نیست. اینها مزدورانی هستند که توسط هیئت حاکم به صورت «غیر رسمی» و در «کنار» مقامات رسمی، استخدام شده، تا هر گونه حرکت مستقل دانشجویی را در نطفه خفه کنند. بنا بر شواهد عینی، این مزدوران مسلح به سلاح‌های گرم و بی سیم بوده و دستورات خود را از «مرکز» عملیات خود دریافت می‌کنند.

بقیه در ص ۲

از آگاهی کمونیستی تا تشکیل حزب پیش‌تاز انقلابی

بهروز حقیقت‌فر

آگاهی انسان محصول روابط اجتماعی اوست. روابطی که عملاً انسان را از زمان تولد تا مرگ اسیر خود ساخته است. وجود روابط اجتماعی‌ای که هدف اصلی خود را کسب سود بیشتر قرار می‌دهد، به انسان بخرد به مثابه یک کالا نگریسته و عملاً انسان را عاری از هویت می‌سازد. تنها با تغییر بنیادی روابط اسارت‌بار و پالایش تمام «آگاهی‌های کاذب» موجود است که انسان می‌تواند خود را در شرف آزادی قرار دهد. لیکن فعلیت انقلاب اجتماعی بر علیه این روابط نا برابر یک شورش خود انگیزه مقطعی نمی‌تواند باشد. اگرچه مبارزات خود انگیزه می‌تواند در انکشاف آگاهی بشری موثر واقع شوند، اما عمل آگاهانه‌ای یک طبقه‌ای اجتماعی جهت نابودی جامعه طبقاتی امری ضروری است. برای نیل به این هدف، یعنی درگیر کردن یک طبقه اجتماعی (پرولتاریا) در عرصه مبارزه، نیاز به یک تئوری انقلابی است که بدون آن عمل انقلابی میسر نیست. ولی هیچ تئوری بیرون آمده از درون کتاب قادر نیست سیاست انقلابی‌ای پرولتری را تعیین کند؛ در نتیجه باید به مطلب فوق این مساله کلیدی را نیز افزود که بدون عمل انقلابی تئوری انقلابی میسر نیست.

بقیه در ص ۲

هنر بازی با الفاظ رژیم سحررہائی

ص ۳

آموزشی

ص ۴

پول و سرمایه (۲) سارارسا



جوان

سوسیالیست

نشریه اتحادیه جوانان سوسیالیست انقلابی ایران

<http://www.javaan.net>

javan1378@hotmail.com

۴

شماره ۱۲ شهریور ۱۳۸۲

به پراکندگی خاتمه دهیم!

مانی روشنگر

سال تحصیلی به زودی آغاز می‌گردد. در پایان سال تحصیلی پیش، هیئت حاکم با تدارکات حساب شده توانست از برگزاری تجمعات وسیع دانشجویی برای بزرگداشت روز ۱۸ تیر جلوگیری به عمل آورد. علت اصلی این تهاجم از سوی مزدوران حزب الله‌ای و «لباس شخصی‌ها»، ناشی از «قدرت» و «سازماندهی» آنها نبود؛ بلکه در پراکندگی و عدم سازماندهی دانشجویان نهفته بود. تجربه سال پیش نشان داد که دانشجویان برای دفاع از حقوق اولیه خود؛ بایستی به پراکندگی پایان داده و خود را متشکل کنند. اما، این تشکل‌یابی نیز تنها بر بستر تجمعات موقتی، نا همگون و یا غیر سیاسی (فرهنگی، هنری، آکادمیستی و غیره) عملی نیست. تجمعات جوانان بایستی بر محور یک تشکل دائمی سازمان‌یابند؛ در غیر اینصورت در تندبادهای اجتماعی؛ جنبش دانشجویی مجدداً متفرق و تضعیف می‌گردد.

پایان دادن به پراکندگی به مفهوم تشکل‌یابی سیاسی بر محور یک برنامه روشن است. نمی‌توان با سردرگمی، ناروشنی سیاسی، دو دلی و توهم به سیاست‌های اصلاح‌گرایان، به جنگ یک دولت سرمایه‌داری تمام عیار از نوع رژیم حاکم رفت. هر دو جناح‌های هیئت حاکم امروز در حال زد و بندهای آشکار و پنهانی با دول سرمایه‌داری غربی هستند. آنها قصد دارند با کمک یکدیگر ارباب جوانان به شکل نوینی ادامه دهند. دول غربی و شرکت‌های خارجی برای پر کردن جیب‌های خود به ایران می‌آیند و نه برقراری دموکراسی. آنها دلشان برای جوانان نسوخته است.

بقیه در ص ۲

به پراکندگی خاتمه دهیم!

از ص ۱

در نتیجه جوانان بایستی متکی بر نیروی و توان خود و مستقل از احزاب وابسته به بورژوازی؛ به ایجاد یک قطب سوسیالیستی در درون جنبش دانشجویی با یک برنامه روشن سیاسی و ضد سرمایه داری؛ مبادرت کنند.

اهداف این گرایش سوسیالیستی مبارزه در راستای تحقق دادن کلیه مطالبات جوانان است. مبارزه علیه «خصوصی سازی» ها، مبارزه برای بهبود وضعیت آموزشی و مسکنی دانشجویان، مبارزه برای آزادی های دموکراتیک در دانشگاهها (مطبوعات آزاد؛ آزادی تجمع؛ آزادی بیان) و مبارزه برای ورود فرزندان کارگران به دانشگاهها به رایگان؛ مبارزه برای کوتاه کردن دست های لباس شخصی و تضمین آزادی ها مدنی و غیره است. همه این مبارزات تنها با سازمان یابی و خاتمه دادن به پراکندگی می تواند تحقق یابد.

مانی روشنگر
۸ شهریور ۱۳۸۲

با «لباس شخصی ها» مقابله کنیم!

از ص ۱

با بازگشایش دانشگاهها، بار دیگر چهره های کریه لباس شخصی ها مسلماً در هر تظاهرات و اعتراضی دیده خواهند شد.

ماهیت «لباس شخصی ها» بر کسی پوشیده نیست. اینها مزدورانی هستند که توسط هیئت حاکم به صورت «غیر رسمی» و در «کنار» مقامات رسمی، استخدام شده، تا هر گونه حرکت مستقل دانشجویی را در نطفه خفه کنند. بنا بر شواهد عینی، این مزدوران مسلح به سلاح های گرم و بی سیم بوده و دستورات خود را از «مرکز» عملیات خود دریافت می کنند.

دانشجویان نیز مانند هر قشر تحت ستم اجتماعی حق دارند که به هر شکلی که

خود تشخیص می دهند برای تحقق مطالبات خود، مبارزه کنند. و هیچ فرد، دسته، حزب و دولتی حق جلوگیری از آنها را ندارد. «اصلاح طلبان» که ظاهراً خود را مخالف هیئت حاکم و سرکوبها جلوه می دهند، در گذشته با روش گرنش در مقابل این مزدوران، قصد دارند «مسئله دموکراسی» را «مسالمت آمیز» حل کنند. همان طور که در سال پیش نشان داده شد، این روش از برخورد تنها به سود همان مزدوران تمام شده و منجر به تضعیف نه تنها حرکت های دانشجویی که تضعیف سایر مردم ستم دیده جامعه می شود.

بدیهی است که روش مقابله با این مزدوران به شکل مسالمت آمیز به نتیجه نمی رسد. مذاکره با «زبان خوش» با کسانی به نتیجه مطلوب می رسد که آنها نیز به اصول اولیه دموکراتیک معتقد بوده و با قصد و غرض حقوق دموکراتیک مردم را پایمال نکنند.

دانشجویان پیشرو برای مقابله با «لباس شخصی ها» تنها یک روش در مقابلشان باقی مانده است: سازماندهی کمیته های مخفی دفاع از خود. آنها بایستی کمیته های مخفی و ضربتی خود را ایجاد کنند! این اوباش و ارادل بایستی توسط کمیته های مخفی دانشجویی شناسایی شده و به هر شکلی که خود کمیته ها صلاح دانسته، عملیات مخرب آنها متوقف شود.

در وضعیت کنونی، مبارزه برای خنثی سازی عملیات این اوباش، با گسترش آزادی های دموکراتیک گره خورده است.

مینا راوندی
۱۱ شهریور ۱۳۸۲

از آگاهی کمونیستی تا تشکیل حزب پیشتاز انقلابی

از ص ۱

اگرچه بخش عظیمی از پرولتاریا قادرند در جریان انقلاب و قیامهای مردمی به آگاهی های طبقاتی، یعنی آگاهیهای که سبب می شود تا توده کارگر صف خود را از بورژوازی جدا کند، برسند ولی

مبارزات خود انگیزه قادر نیستند در چشم انداز درازمدت پرولتاریا را به سمت کمونیسم رهنمون نمایند. مجموعه برنامه کمونیستی نه توسط کل طبقه بلکه توسط پیشرو پرولتاریا دست یافتنی است. پیشروی که حتی در دوران رکود مبارزه هم، سنگر مبارزه طبقاتی را ترک نکرده و سعی می کند این مبارزه را در سطوح مختلف آن دنبال کند. در حقیقت پیشرو پرولتاری با روشن کردن چراغ امید برای توده های کارگر به آنها روحیه و شهامت می بخشد چراکه به قول مارکس پرولتاریای که روحیه اش تضعیف شده، پای کار سرنگونی سرمایه داری نمی رود.

انگلس می گوید که "جنبش پرولتاری از مراحل تحول بیشماری عبور می کند، در هر مرحله برخی از افراد متوقف گشته و به پیشروی های آتی نمی پیوندند". متأسفانه این مساله در مورد پیشرو پرولتاری نیز صادق است. همانطور که تروتسکی بدروستی در کتاب «برنامه انتقالی» اشاره نمود: "نسلی از پیشروان کارگری که شکست را تجربه کرده اند، دیگر به راحتی به سیاست های سوسیالیستی جلب نخواهند شد و وظایف آنان معمولاً توسط نسل جوان به عهده گرفته خواهد شد".

با مثالی در مورد جنبش کارگری ایران این مساله را بازتر می کنیم. بعد از شکست انقلاب ۱۳۵۷ در ایران که در پی خود سرکوب وحشیانه طبقه کارگر و پیشروان آنرا در برداشت. عده ایی از پیشروان کارگری که آن شکست تلخ را تجربه کرده بودند، به جای برخورد اصولی و نگرش انتقادی به گذشته خود به نفی تمام دستاوردهای جنبش کارگری - کمونیستی پرداخته و عملاً خود را به گرایشات سندیکالیستی، آنارشیستی و فرقه گرا تنزل داده اند. این گرایشات بدون تردید از آنجایی که تحلیل مشخصی و درستی از شرایط موجود در جامعه ندارند، نمی تواند در مقابل تحولات زودرس در جامعه واکنش نشان دهند. جای این پیشروان کارگری دیروز را باید پیشروان کارگری جوان امروز پر کنند. پیشروان کارگری جوانی که چشم و گوشهای خود را بسته و ندوخته و خود را برای هر چالش و مبارزه ایی آماده ساخته اند.

زمانی که صحبت از پیشرو کارگری می شود منظور آن قسمت از طبقه کارگر

آنها از طریق سرمایه گذاری های خصوصی و کمک های خیریه، چهره مردمی بخشیدن به این ارگان ها و در نهایت چهره دموکراتیک بخشیدن به رژیم است.

اینگونه طرح ها از دیرباز در اروپا و آمریکا پیاده شده و حتی در ایران هم در زمان محمدرضا شاه شاهد آن بوده ایم. برای مثال سازمان زنان که فرح پهلوی در آن نقش رهبری افتخاری داشت، سازمان خیریه حمایت از کودکان و مانند اینها.

این نوع ارگان های خیریه و «انسانی» همیشه در دورانی شروع به تأسیس شدن میکنند که امپریالیزم به کمک سرمایه داران داخلی یک کشور، کلیه اساس اقتصادی و در پی آن اساس اجتماعی آن کشور را نابود کرده و امکانات چپاول منابع ملی آن کشور را تماماً در کف خود گرفته است. آنگاه با حمایت از ایجاد چنین ارگان هایی دولت، خود را از درون این نوع کارها فرسایشی که باعث اتلاف وقت میشود، بیرون کشید و به کارهای مهم تری در جهت غارت اموال ملی آن کشور میپردازد.

لذا حائز اهمیت است که تفاوت بین این نوع ارگان های غیردولتی را با «تشکل های مستقل» که ابتدای حرکتی انقلابی در جهت مبارزات سیاسی افسار ستمکش با رژیم های سرمایه داری است، روشن کرد. در حالیکه «تشکل های غیردولتی» جوانان، سازمان هایی است در جهت پیاده کردن اهداف نظام حاکم، «تشکل های مستقل» جوانان، نهادهایی است که جوانان را (اعم از دختر و پسر) در مبارزاتشان بر علیه استثمار جسمی و روحی که رژیم ایجاد کرده، گرد هم آورده و آنان را در یافتن راه های مبارزه اصولی و مؤثر در برابر حملات رژیم یاری میکند.

سحر رهانی

۲ شهریور ۱۳۸۲

کسب خبر از: همشهری ۱۳۸۲، ۲۵، ۵

عمل کند. در نتیجه فرقی با سایر سازمان ها و ارگان هایی که تا کنون حق حیات در جمهوری اسلامی را داشته اند، نخواهد داشت و «تأثیرگذاری آنان بر سرنوشتشان» هم از نوع تأثیرگذاری انجمن های اسلامی دانشجویان خواهد بود.

سنوال مورد نظر در اینجا این میتواند باشد که این جوانانی که عضو این تشکل ها هستند، در اعتراضات اخیر دانشجویان کجا بودند و چطور «از تأثیرگذاری در سرنوشت» آنها حمایت نکردند؟

۲- در مورد دختران جوان ما هم این سنوال بلافاصله در ذهن انسان تداعی میکند که چطور شد که به ناگاه «دختران جوان ما به عنوان نیمی از جامعه جوان کشور» بشمار آمده و اهمیت وجودی ای برابر با پسرانمان پیدا کرده اند؟ بخصوص که خود رژیم هم بطور واضح بر ستم موجود بر زنان اعتراف کرده و در بیانیه آمده است: «با توجه به اینکه تشکل های غیر دولتی دختران جوان بنا به شرایط خاص اجتماعی کمتر توسعه داشتند، شرکت کنندگان در این همایش خواستار توجه ویژه سازمان ملی جوانان و سازمان های غیردولتی به این موضوع شدند». چرا در بیانیه منظور از این «شرایط خاص اجتماعی» روشن نشده و مشخص نگردیده است که دقیقاً چه عواملی بوده است و اینکه چرا در ظرف این بیست و چند سال کسی به فکر این مسائل بود و زنان و دختران ما هم که بطور خود جوش بر علیه اشکال مختلف ستم حاکم عکس العمل نشان دادند، بوسیله عمال حزب الله دستگیر، شکنجه و زندانی شدند؟ حالا ناگهان «شرایط خاص» آنها اهمیت پیدا کرد؟

اما در اینجا لازم است به ماهیت چنین ارگان های غیردولتی پرداخته و نقش حضور و اهمیت لزوم آنها را در درون نظام های بورژوازی اصلاح طلب جستجو کنیم.

ارگان های غیردولتی که به برخی امور روینایی و صرفاً دهن پر کن میپردازند، با هر نامی - سازمان، انجمن، جمعیت و حالا هم تشکل - که ظاهر شوند، یک هدف را دنبال میکنند و آن بیرون کشیدن برخی برنامه های روینایی و بی اساس از دست دولت و با خصوصی سازی و گرداندن آنها به دست افراد و جریان های غیرسیاسی و تأمین بودجه

است که مبارزاتشان از مبارزات کلیت طبقه جلوتر رفته و عملاً به ابتدایی ترین الفبای مبارزه یعنی سازماندهی رسیده اند. هر پیشروی کارگری تنها و تنها با محفل، هسته، سازمان، گروه و نهایتاً حزب خود هویت و معنا پیدا می کند. طبقه کارگر بدون تشکلات مستقل خود قافد هر گونه قدرتی است. این مساله را تروتسکی با استفاده از استعاره ی بسیار زیبایی در نبود حزب پیشتاز انقلابی در مرحله ایی از تاریخ روسیه چنین بیان می کند:

«بخار نیرومند بعلت فقدان پیستونی که در لحظه حساس می توانست آنرا متراکم کند در هوا تبخیر شد». (کتاب تاریخ انقلاب روسیه)

بدون تردید نیروی محرکه اصلی بخار است یعنی حضور توده و مبارزه توده ایی نه پیستون بمعنی حزب پیشتاز انقلابی. اما باید توجه داشت که حتی قویترین بخار هم بدون حضور پیستون نمی تواند هیچ گونه انرژی را تولید کند.

بهروز حقیقت فر

۱۰ شهریور ۱۳۸۲

هنر بازی با الفاظ رژیم

جمهوری اسلامی «تشکل های غیر دولتی» جوانان خود را هم ساخته و حالا در حال ساختن «پارلمان ملی» آنان و «توجه بیشتر به تشکل های غیردولتی دختران جوان» هم شده است!! این «پارلمان» قرار است «زمینه ساز مشارکت مؤثر جوانان در اجتماع و تأثیر گذاری آنان در تعیین سرنوشتشان باشد». در این بیانیه دختران جوان به ناگهان «اهمیت حضور در فعالیت های اجتماعی» پیدا کرده و «نیمی از جامعه کشور» بشمار می آیند!

در اینجا دو نکته مورد توجه است:

۱- مفهوم «تشکل های غیردولتی»

تشکل های غیردولتی جوانان که مورد حمایت دولت و حضور و دخالت هرگونه سازمان دولتی و غیردولتی و منابع و ارگانهای دولتی و غیردولتی آن باشد، در عمل تفاوتی با جریانات وابسته به دولت ندارد. این نوع تشکل ها در نهایت و در عمل مجبور است تا در چهارچوب قوانین جمهوری اسلامی

پول و سرمایه

و تأثیر آن در ساختار اجتماعات بشری از دیرباز تا کنون (۱)

ادامه از شماره پیش

موضوع قابل ملاحظه دیگر اینکه، قبایلی که در مقایسه با قبایل دیگر از امکانات غذایی و ابزار شکار، کشاورزی و جنگ بهتری برخوردار بودند، نیاز به نگهداری داشتند که از ابزارها حفاظت میکردند. این افراد در ابتدا، از قویترین افراد قبیله انتخاب میشدند. تا اینکه تولید افزونه حاصل گردید و آنکه کنترل این تولید افزونه را بدست داشتند، از افراد جوان و برومند قبیله برای حفاظت استفاده میکردند.

لذا در میان اجتماعات بدوی آن دوران دو گروه از قدرت خاصی برخوردار شدند: ۱- کاهنان و روسای مذهبی ۲- فرماندهان و روسای نظامی. مندل در این مورد میگوید:

«اما هنگامی که فرماندهان نظامی و یا روسای مذهبی، این مازاد را از روستاهای منطقه در یکجا انباشتند، و یا زمانی که بشکرانه بهبود روشهای کشت، مازاد در خود روستا فراوانی یافت، شرایط پیدایش نابرابری های اجتماعی فراهم آمد. اسیرانی که در جنگ یا راهزنی به چنگ آمده بودند و پیش از آن بخاطر نبود غذا کشته می شدند، اکنون از این مازاد می توانستند تغذیه کنند و در برابر این خوراک، به کار برای پیروزمندان گمارده شوند. این آغاز چگونگی پیدایش برده داری در یونان باستان است.

همین مازاد می توانست جهت تغذیه کاهنان، سربازان، مأموران دولت، خوانین و پادشاهان بکار رود. و این چگونگی پیدایش طبقات حاکم در امپراطوری های شرق باستان (مصر، بابل، ایران، هندوستان، و چین) بود.

بنابراین تقسیم اجتماعی کار، تقسیم اقتصادی کار (یعنی تخصص بر مبنای مهارت های تولیدی) را کامل می کند. تمامی تولید اجتماعی دیگر برای برآوردن نیازهای تولید کنندگان بکار نرفته، و از این به بعد به دو بخش تقسیم می شود:

الف- تولید لازم: یعنی مواد غذایی ضروری برای تولید کنندگان که بدون کار آنها جامعه متلاشی می شود.

ب- افزونه تولید اجتماعی: یعنی مازاد تولید شده توسط تولید کنندگان که طبقات دارا آن را ضبط می کنند.»

این دوران که به آغاز عصر «مالکیت خصوصی» معروف است، دارای زیربنا و ویژگی های مخصوص خود میباشد. اما از آنجاییکه این ویژگی ها در طول دوره های مختلف حیات بشر، به ارث برده شده و بعنوان اساس زیربنای روابط انسانها را در اجتماع ثابت نگذاشته است، لازم میاید که این ریشه و اساس را از ابتدا خوب بشناسیم، تا در جهت ایجاد تغییر در آن، آگاهانه و اصولی پیش رویم. از اینرو، مندل میگوید:

«در جوامع بدوی همه مردان و زنان تندرست عمدتاً به تولید مواد غذایی مشغولند. در چنین شرایطی فقط مدت زمان ناچیزی را می توانند جهت ساختن و ابزار کردن وسایل کار، یا آموختن فنون پیچیده (همانند فلز کاری)، و یا جهت مشاهده شیوه دار پدیده های طبیعی، و غیره صرف کنند.

تولید افزونه اجتماعی، وقت فراغت کافی برای بخشی از بشریت فراهم می سازد تا بتواند خود را وقف همه فعالیت هایی کند که رشد باآوری اجتماعی کار را تسهیل می کند.

فعالیت های زمان فراغت زمینه بنیادی تمدن، تکامل نخستین علوم (ستاره شناسی، هندسه، آب نگاری، معدن شناسی و غیره)، و خط نگاری را فراهم آورد.

جدایی کار فکری و کاریدی، که از فعالیت های دوران فراغت حاصل شده، با تقسیم جامعه به طبقات همگام است.

بنابراین، تا هنگامی که جامعه فقیرتر از آنست که به همه اعضای خود اجازه دهد خود را وقف کار فکری کنند (کارکردهای انباشتی)، تقسیم جامعه به طبقات نشانگر پیشرفت تاریخی است. اما برای پیشرفت، بشریت بهای گزافی پرداخته است.»

در پی جنگهای قبیله ای و اسارت عده ای در دست عده ای دیگر، دوران «برده داری» اولین شکل از نظام حاکم در عصر «مالکیت خصوصی» متجلی شد. در حالیکه یک انسان در کمال رفاه ممکن و فارغ از کاری بدی، به گسترش و رشد آموخته های خود در زمینه

صنعت و سایر علوم وقت، مشغول بود، انسان دیگری که در اسارت بسر میبرد، همچون کالایی در تملک در میامد و مانند حیوان از او بهره کشی میشد. عصر برده داری بسیار طولانی و قیل از زمان فراغت مصر، یعنی پیش از ظهور «موسی» پیامبر یهودیان وجود داشته، در زمان «عیسی» پیامبر مسیحیان بقدری وحشیانه و دردناک ادامه یافت که به صلیب کشیده شدن او بطور سمبلیک قرار بود به تمام درد و رنج بشریت پایان دهد. البته چنین نشد، ولی این نشانگر تداوم مبارزات توده های تحت ستم بر علیه قدرتمندان بود. برده داری آنچنان دوران طولانی ای را طی کرد که حتی در زمان «محمد»، یعنی زمانی که خیلی از اجتماعات شهری تمرکز یافته و تمدنی بزرگ داشتند (مثل ایران) هنوز وجود داشت. در ایران، بیدادگری های شاهان وقت، حمله اعراب به ایران را برای آوردن اسلام، تبدیل به یک آلترناتیو نمود!

عاقبت با شورش برده داران، دوران مالکیت انسان بشکل برده بسر آمده و انسان از قید مالکیت انسان دیگر رها گشته و در نتیجه دوران برده داری نیز بسر آمد. حالا این انسانهای آزاد شده، چون نه دیگر قبیله ای بود به آن پناه ببرند و نه از خود چیزی داشتند که با آن نیازهای اولیه خود، مثل خوراک و پوشاک و سرپناه را تأمین کنند، مجبور میشدند تا در زمینهای همان اربابان قبلی کار کنند. منتهی این اربابان را دیگر برده دار نمیگفتند. آنها بر طبق تعریف «زمیندار» و برده های آزاد شده را که برای کار بر روی زمین استخدام میشدند، «رعیت» میخواندند. به همین ترتیب، زمینداران بزرگ را «فئودال» و این دوران را به دوران «ارباب - رعیتی» یا «فئودالیزم» نام نهادند.

سارا رسا

مرداد ۱۳۸۲

جوانان سوسیالیست انقلابی! کارگران و دانشجویان!

- اگر با اهداف ما توافق دارید با ما همکاری کنید!
- نشریه «جوان سوسیالیست» را میان جوانان توزیع کنید!